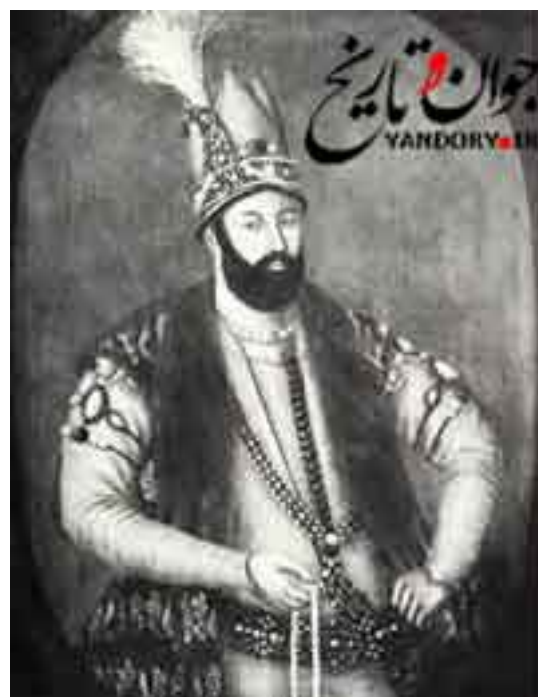


چگونگی تاجگذاری نادر شاه

۲۹ آذر ۱۳۹۵ ساعت ۱۸:۳۶

در روز بیست و ششم فروردین مطابق سنه هزار و صد و چهل و نه هجری هشت ساعت و بیست دقیقه از روز گذشته به اختیار رصدبندان دقیقه یاب و اخترشناسان بطلمیوس انتسابتاج شاهی بر سر وی گذاشتند. اجرای مراسم جلوس چنانکه در چنین اوقات مأمول است معمول داشتند، و تختی مرصع نهاده نادر را بر آن نشانند، و علی الفور سکه به نام وی زدند.

جوان و تاریخ - کشکول



در روز بیست و ششم فروردین مطابق سنه هزار و صد و چهل و نه هجری هشت ساعت و بیست دقیقه از روز گذشته به اختیار رصدبندان دقیقه یاب و اخترشناسان بطلمیوس انتسابتاج شاهی بر سر وی گذاشتند. اجرای مراسم جلوس چنانکه در چنین اوقات مأمول است معمول داشتند، و تختی مرصع نهاده نادر را بر آن نشانند، و علی الفور سکه به نام وی زدند، در یک طرف این شعر را که:

نادر ایران زمین و خسرو گیتی‌ستان

و بر طرف دیگر «الخير فيما وقع» نقش کردند. و هم از مورخ تاریخ وی منقول است که نکتة سنجاز «لا خير فيما وقع» خواندند. بالجمله بعد از جلوس بر تخت سلطنت نادر به جانب اصفهان در حرکت آمد و چندی در آنجا به تهیه و تدارک لشکر پرداخته تسخیر قندهار را وجهه همت ساخت. حسین خان برادر محمود غلیجائی در آن اوقات در قندهار والی بود. نادر قبل از آنکه بدان صوب توجه کند، آنچه لازمه اهتمام بود، درباره آرامی ایران در ایام غیاب خود بجای آورد. و در همین سال جزیره بحرین به دست محمد تقی خان حاکم فارس مفتوح شد. و چون ایل بختیاری اطراف اصفهان را در معرض تاخت و تاراج آورده بودند، ابتدا استیصال ایشان را پیش نهاد خاطر ساخته به دفع آن طایفه در حرکت آمد، از کوهستان اصفهان که تا نزدیکی شوشتر می‌رود، و تمام منزل و ملاذ ایلات بختیاری است، و چون کوهستان مزبور مشحون است بر غارهای بسیار و مغاکهائی بی شمار، و این طایفه همیشه در ایام مخاطره به آن غارها پناه می‌بردند، در نظرها چنان جلوه می‌نمود که ایشان را در قید اطاعت آوردن از حیث امکان خارج است. اما نادر بر مردم معلوم کرد که این محض توهم است. بیهادران خود را بر قتل جبال و خلل و فرج شعاب کشیده، یکی یکی آن طایفه را به چنگ آورد و در عرض مدت یک ماه جمیع ایل بختیاری را منقاد و فرمان بردار نمود، امیر ایشان علی‌مراد خان را اسیر کرده به قتل رسانید، و بقیه که از تیغ قهر نادری رسته بودند، مورد عنایات وی گشته جمعی از ایشان در جرگه عساکر پادشاهی انتظام یافتند. و به جهت جلادت فوق العاده که در فتح قندهار از ایشان به ظهور رسید، کاشف حکمت و مورد رأفت نادر شدند. و سایر را از کوهستانی که در سابق سکنی داشتند کوچانیده محلی بهتر و به اداره نزدیکتر از برای ایشان مقرر کرد. بعد از آن با هشتاد هزار لشکر از راه خراسان و سیستان روی به قندهار نهاد، در عرض راه عایقی که قابل ذکر باشد روی نداد، ولی چون به قندهار رسید، دید استحکامات شهر به نوعی است که فتح آن به زودی در حیث امکان نیست. او خیالی که کرد این بود که اطراف شهر را گرفته راه آمد و شد اهالی را با امکان اطراف و حوالی منقطع کند، و حکم کرد تا طرح شهری در مقابل آن ریخته به بنای آن پرداختند و آن را به نادرآباد موسوم کردند. بعد از فتح قندهار غالباً جمیع سکنه آن ملک به نادرآباد نقل کردند. و بعد از فوت نادر، همانجا مشهور به قندهار شد. و همچنین حکم کرد تا در اطراف شهر برجها برپا کردند، و مابین برجهای مزبور را با سقناقه‌های کوچک وصل کردند، به نوعی که راه مراوده محصورین با اطراف بیرون شهر به کلی مسدود گشت. اما چون نادر دید که همه این کارها اثری در خاطر افغانان نکرد و یک سال تمام بیهوده صرف شد و افغانان را هنوز ذخیره بسیار در شهر باقی است. به فکر دیگر افتاد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/19959/شاه-نادر-تاجگذار-چگونه-19959>